



29 آگست 2019

داکتر سید عبدالله کاظم

## شرحی درباره پیشنهاد متارکه در جنگ سوم افغان انگلیس

(قسمت چهارم و اخیر)

فرمان دوم عنوانی سپه سالار محمد نادرخان:

در این قسمت مقاله میخوام در ارتباط موضوع یک فرمان دیگر شاه امان الله را عنوانی سپه سالار محمد نادرخان که فقط 11 روز بعد از فرمان قبلی بتاریخ 30 رمضان 1337 هـ ق (7 سرطان 1298 مطابق 29 جون 1919) صادر گردیده است و حاوی یک تعداد هدایات مهم در زمینه میباشد، نقل کنم. (اقتباس از کتاب: "نگاهی به تاریخ استرداد استقلال"،... صفحه 95 تا 98)

شروع فرمان:

«عالیجاه عزت و عزیزی بنیان اخوی سردار محمد نادر خان سپه سالار را واضح خاطر باد!

درباب مراسله که به جهت وایسرای هند سابق ارقام و ارسال فرموده بودیم، همان است که نقل آنرا برای شما ارسال داشته بودیم. حال یک قطعه جواب مراسله مذکور از طرف وایسرای هند بتاریخ حال رسید. نقل مراسله مذکوره و جوابی که از حضور اعلیحضرت والا ارقام و ارسال گردید، برای استحضار خاطر شما ارسال داشتیم تا دانستگی برای شما حاصل گردد و لکن در مراسله خود وایسرای نوشته است که: فوج های خود را در هر موضع که باشند، از مقابل فوج انگریزی بقدر مسافت بیست میل دور کنید. و این مسئله را شرط اعظم مصالحه قرار داده اند. اعلیحضرت والا می - ده میل را که عبارت از پنج گروه باشد، منظور فرموده اند. بنابراین برای شما اطلاع فرمودیم که:

اول - عالیجاه ارجمند شاه محمود خان را خبر و سررشته میدید که فوج نظامی خود را از "پیوار" از مقابل فوج انگریز بقدر ده میل که عبارت از چهار و نیم یا پنج گروه میشود، واپس بیاورد.

دوم - عالیجاه ارجمند عزیز شاه ولی خان جرنیل وزیرستان را اول در این وقت از رفتن وزیرستان معطل می کنید، مگر دانسته او میدارید که به همین طور جای برود که به اندازه ده میل از فوج انگریز دور باشد و در آنجا بوده سررشته خود را از دست نمیدهد و از همان ده میل را واگذار شده، واپس فوج خود را می آورید. ملکان و نفری افغان بر آن حدود را تأکید کنید که نگهداری همان حدود ده میل را بکنید.

سوم - درباب بیرق دولت علیه افغانستان هرگاه تاحال در وزیرستان بالا نکرده باشند، حال معطل گذاشته برای مردم بگویند که بیرق درست در کابل ساخته میشود و در ثانی میرسد و اگر بیرق موصوف را بالا کرده باشند، خیر.

چهارم - اشتهارهاییکه خود شما نمونه آنرا ارسال داشته بودید، اگر نشر نکرده باشید، حال معطل کرده نزد خود نگاهدارید و اگر نشر شده باشد، خیر.

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

پنجم - سررشته نگهداشت نفری که شما کرده اید که یعنی بقسم نوکر [مستخدم در بدل معاش] نگهداشته شده، جاهائیکه گرفته شده، برای شان سپرده میشود و نگهدارند، درست است نفری مذکور نگهداشته شوند.

هشتم - نفری فوجی خود را که از مقابل فوجی انگریز آنرا بقدر ده میل واپس میخواهند به سبب احتراز آنها میباشد، مگر بعد از ده میل اینطرف را خالی گذاشته نشود و نگهداری آن بدرستی کرده شود تا فقرات گفتگوی صلح تمام شود. اگر صلح بشرف و عزت افغانستان میباشد، خوب و الا گذاشتنی اش نیستیم. ضرور است که جنگ شود. باید بهر صورت خود را آماده جنگ داشته باشید.

هفتم - هرگاه درین وقت بقرار خواهش آنها بقدر ده میل فوج خود را واپس بخواهید، ایراد کلی شان درین فقره خواهد بود و خلاف وعده هم کرده نشود.

هشتم - باید مردم شما بهر صورت از جوش و خروش خودها نمانند. جواب صلح و گفتگوی آن معلوم شود و ظاهراً دربین نفر خود همین طریق معلوم نمائید که بدانند و فوج خود را ده میل واپس برند، لکن بیک مصلحت واپس برده شوند که نفری خود شما هم بدانند و همان جاهای ده میل مذکوره را واگذار میشوید برای خود نفری همان حدود بسپارید که نگهداری کنند [یعنی فاصله بین ده میل را به خود مردم بگذارید که نگهداری کنند و عسکر دولتی در آن فاصله نباشد - کاظم].

نهم - اگر آنها در حدودات مذکور خیال پیش قدمی و یا همراه مردم رعایای آن حدود خیال جنگ را بکنند، شما فوری برای منصبدار فوج مذکور بنویسید که از برای ما حکم رسیده که جنگ را معطل داشته بقدر ده میل از مقابل فوج شما دور بودیم [برویم] و جنگ را متارکه فرموده اند. شما باید که از حدود تجاوز نکرده به کس غرضدار نباشید تا فقره صلح معطل میباشیم و شما بدولت خود مسئول معلوم بوده و الا برای جنگ آماده خواهید بود. باید بهر صورت در هر باب خود را تیار و آماده میدارید و از هر طرف آدم ها مقرر کرده خود را واقف میسازید و از احوالات آنها بحضور والا معروض داشته باشید تا از پرده غیب چه بظهور خواهد رسید. زیاده تفویض کارها بخداوند است، از اینطرف والا بهرجهت آسوده و مطمئن خاطر باشید که از مرحمت الهی خیریت است فقط.

مکرر اینکه: یک قطعه عریضه مورخ 27 رمضان المبارک 1337 ق (مطابق 4 سرطان 1298 ش - 26 جون 1919 م) نیز به ملاحظه حضور والا رسید، شرحی که از پریشانی انگریز و خالی کردن تهان و برداشت گادرهای پل ویران شان اطلاع حاصل شد. دوم در خصوص اراکین مجلس صلح که به راولپندی رفته اند، دانسته کرده شود که تا حصول شرایط خیر سلطنت افغانستان و جمله اهل اسلام آماده گی زیاد نمایند چرا که از مورچه بندی دریای اتک و کشیدن اسباب های این سمت دانسته میشود که از سرحد دل خود را کنده، خیال خالی کردن را دارند، دانسته و حالی شدیم.

از نقل مراسله وایسرای و نقل مراسله حضور والا دانسته شما به درستی میشود باید بهر صورت متوجه بوده اشتهارات خود را اگر نشر نکرده باشید، نگهدارید و رفتن رکاب باشی [مقصد از شاه ولی خان است - کاظم] را معطل نکرده روانه میدارید و دانسته او میکنید که همین طور جای برود که به اندازه ده میل از فوج انگریز دور باشد. مگر در باب اشتهارهاییکه درباب مقرری رکاب باشی به منصب جرنیلی وزیرستان نوشته اید، هرگاه نشر نکرده باشید، خود رکاب باشی و اشتهارها را نگاهداشته معطل میگذارید و اگر نشر شده باشد، باید رکاب باشی بهمین طور جای برود که ده میل از فوج آنها دور باشد.

د پانوی شمیره: له 2 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکنی د لیکنیزی ښی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

زیاده از خداوند شما را معزز و نیکنام می‌خواهم و از حضرت باری تعالی عزا سمه می‌خواهم که این عید سعید را برای شما و تمامی اهل اسلام مبارک و میمون داشته، دشمنان دین مبین را از صحنه روزگار براندازد. (ختم فرمان) تحریر یوم یکشنبه 30 شهر رمضان المبارک سنه 1337

امضا: امیر امان الله

برطبق فرمان فوق موضوعاتی را که اعلیحضرت به سپه سالار هدایت داده بودند، سپه سالار طی چند نامه عرایض خود را بحضور شاه تقدیم داشته، چنانکه در نامه مورخ 9 ماه شوال المکرم و 24 و 26 آن ماه (مطابق 31 سرطان 1298 - 23 جولای 1919) سپه سالار نوشته بود: «عرض میدارم که اگر موضع را که نظامی "پیوار" سنگر گرفته خاص بسرحد بخشی است و موضع مذکور اگر خالی شود، بدست دشمن بیفتد، بعد از آن در جاجی تا لهورگرد و کابل هیچ استحکام برای مدافعه دشمن نمی باشد. اگر چهاونی خوست را انگریز خواهش میکرد که خالی کرده شود، چندان اهمیت برای ما نداشت مثلیکه خط مدافعه پیوار کوتل اهمیت دارد...» و نیز سپه سالار در معروضه خود علاوه کرده بود که: «درباب وزیرستان اول در مواقع متارکه کندک توپخانه که در "وانه" مقرر شده بود، واپس به ارگون طلب نمودم، بعد از آن بقرار امر حضور ارجمند شاه ولی خان را بحضور اقوام مسعود و وزیر اظهار جرنیلی وزیرستان را و سر و سرشته توپ و نفری و یراق آنها را اظهار کرده و اشتهار را نشر کرده که یک جوش و خروش زیاد برای اقوام مذکور پیدا شد و نا امیدی شان که از باعث متارکه و غیره پیدا شده بود، بیک خوشی و تسلی مبدل شد...». همچنان سپه سالار در مورد بلند کردن بیرق در وزیرستان عرض حال کرده و نوشته بود که: «آدم روانه کردم بیرق و غیره را بهر جا که باشد، معطل نمایند و اگر چه ازین معطلی ناامیدی برای شان [مردم آنجا] پیدا می شد، اما مجبوراً معطل کردم...» و نیز علاوه داشت که: «استحکامات ما در پیوار همین حالا بقدر سیزده میل از دشمن دور است.»

اعلیحضرت شاه امان الله طی فرمان مورخ 5 اسد 1298 (28 جولای 1919) عنوانی سپه سالار محمد نادرخان به جواب چند مکتوب موصوف ضمن صدور بعضی هدایات و توصیه های مکرر با تفصیل ارقام داشت که یک نکته مهم آن با اختصار ذیلاً تقدیم میشود:

«در عریضه مورخه 26 شوال المکرم ارسالی شما شرحی از اداره ها و پریشانی انگریزها و اندازه نقصان شان را که ده روزه مییاشد و برای شان رسیده، دو سه صفحه معروض داشته بودید، سراپا از ملاحظه حضور والا گزارش یافت. سراپا عرایض شما را که تا حال معطل فرموده بودیم، باین سبب بود که یک دفعه احوال وفد صلح که مع الخیر در هندوستان رفته اند، معلوم شود. همان بود که عریضه عالیجاه عزت همراه ناظر داخلیه [مقصد از علی احمد خان لویناب است که رئیس هیئت افغانی در مذاکرات صلح منعقد راولپندی توظیف شده بود. کاظم] بحضور والا رسید که از نقل عریضه عالیجاه موصوف مفهوم میگردد که انشاءالله تعالی صلح بشرف و عزت افغانستان حاصل خواهد شد، و اگر مقاصد همین داشته باشیم، دست بردار از مدعا و مقصد خود عزت و شرف افغانستان باشد، نخواهیم شد. خداوند معین و نصیر است. دیگر اینکه در خصوص واپس آوردن لشکر پیوار... اگر موازی سیزده میل از لشکر دشمن فوج ما دورتر شود، درست است.. قبل براین بخیال سرکار رسیده بود که فوجی ما با لشکر دشمن بسیار نزدیک خواهد بود... وقتیکه در واپس آوردن خود ضرری نمی دانید، در همان جا باشند و اگر میدانید ضرر کلی دارد، واپس در جای سابق شان برده شوند، مدعا که اعتراض بر شما گرفته نشود. بهر صورت باخبر خود بوده باشید، باقی درست

د پانو شمیره: له 3 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي ښي پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په څیر و لولئ

است فقط تحریر یوم دوشنبه اول ذیقعدہ 1337» امضا : امیر امان الله (متن مکمل این فرمان ها دیده شود در کتاب: "نگاهی به تاریخ استرداد استقلال"، صفحه 99 تا 104)

### تلاش در جهت راه حل سیاسی با استفاده از موفقیت مختصر نظامی:

از محتوای همه فقرات پنجگانه فرمان مورخ فقط یک نکته واضح میگردد که حضرت صاحب فضل محمد مجددی "شمس المشایخ" که بیشتر قیادت نیروهای محلی و قومی را زیر نظر داشت و نیز سپه سالار محمدنادر خان و برادران هریک شاه ولیخان و شاه محمود خان با تصمیم شاه امان الله خان مبنی بر قبول پیشنهاد متارکه با انگلیس ها موافق نبودند و میخواستند که جهاد را در محاذ جنوبی بکمر و استعانت اقوام و قبایل سرحدی بخصوص وزیر و مسعود (میسود) ادامه دهند. درحالیکه جبهات مشرقی زیر فشار شدید حملات زمینی و هوایی دشمن مواجه به ضعف جدی گردیده بود و جبهه قندهار نیز تا آنوقت در برابر دشمن در حالت دفاعی قرار داشت. اما حکومت مرکزی قاطعانه تصمیم برمتارکه و توقف جنگ را گرفته بود که دلایل آن طی مقاله قبلی بیان گردید. لذا شاه امان الله در برابر نگرانی های مطروحه حضرت صاحب شمس المشایخ و سردار شاه محمود خان جوابیه های لازم را ابلاغ و تأکید بر آن داشته، چنانچه درارتباط با فقره اول اعلیحضرت فرمودند که: «در مذاکرات صلح تا جان درتن و رمق در بدن داشته باشم از خیر و شرف دولت و ملت افغانستان نخواهم گذشت... صلح بی شرف [بدون رعایت شرف] افغانستان را انشاءالله تعالی به هیچ صورت قبول نخواهم کرد. اگرچه گفتگو و مکالمه را سررشته نموده ایم و مظنه حاصل میشود هرگاه صلح بشرف [برطبق شرف] افغانستان را قبول کردند و مراد و مدعایی که داشته و داریم، حاصل شد و اگر اندک از شرایط ما را قبول نکردند، از سر و جان خود گذشته خود را انشاءالله تعالی زبان زد خلق نخواهم ساخت، به هر صورت در کارروائی ها [تدابیر و اقدامات] بمعاونت الهی کوشش داشته و داریم تا اراده باری تعالی به چه طریق رفته باشد.»

در جواب به فقره دوم اعلیحضرت خاطر نشان ساختند که: «چه نقصان پیش شده که به خواهش آنها صلح کنیم اگر یک تکه جزوی از دکه را به سمت مشرقی گرفته، صدها موافق [معاذل] آنرا از سمت جنوبی داده است. لله الحمد مسلمان میباشیم و به هیچ طریق از خیر دولت و ملت افغانستان نخواهیم گذشت.»

همچنان در مورد نگرانی ناشی از احتوای مدت زیاد متارکه و خطرات مربوطه مندرج فقره پنجم، در فرمان تصریح گردید که: «سرکار والا هم کوشش دارد بهر صورت شود یک موعده گذاشته خواهد شد. یقین سرکار والا حاصل است که [اگر] از هیچ طریق صورت و صلاحیت [صلح و مصالحه] سرنخواهد گرفت [نگیرد]، جنگ جاری میشود. چرا که شرایط صلح را بسیار بلند انشاءالله تعالی ما خواهش داریم ممکن ندارد که همه را قبول کنند تا دیده شود که از پرده غیب چه بظهور خواهد آمد، ازین طرف خاطر خودها را جمع دارید که فضل خداوند شامل حال است.»

شاه غازی در ذیل یک فرمان دیگر خود عنوانی سپه سالار محمد نادر خان جهت اطمینان خاطر در عزم خود این بیت را نوشت:

دست از طلب ندارم تا کام من برآید ++++ یا جان رسد بجانان یا جان زتن برآید

از ورای فرمان های فوق بخصوص فرمان معنوی حضرت شمس المشایخ و سردار شاه محمود خان (مورخ 24 رمضان 1337هـ) به وضاحت معلوم میشود که شرایط برای قبول متارکه در

واقع جوابی بوده به پیشنهاد متارکه از طرف انگلیسها، ورنه پیشنهاد متارکه از یکطرف و وضع "شرایط سنگین" (چنانکه در فرمان ذکر گردیده است) از طرف دیگر منطبق ندارد که هم پیشنهاد متارکه یعنی توقف مؤقت جنگ (آتش بس) از طرف حکومت افغانستان مطرح شود و هم شرایط متارکه را طرف افغانستان مشخص سازد.

در اینجا باید خاطر نشان کرد که شاید دلیل مخالفت با برقراری متارکه از طرف بعضی شخصیت های ملکی و نظامی شامل در جهاد از روی حسن نیت و به مقصد پیشرف قوا در ساحات زیر تصرف انگلیسها در ماورای سرحد بوده باشد و بخصوص در جبهه جنوبی که اقوام وزیر و مسعود در موفقیت و دست آورد های نظامی با شهادت قابل وصف جنگیدند و جمعاً بیش از 20 هزار نفر در آن اشتراک کردند، درحالیکه قوای دولتی در این جبهه بیش از یکهزار نفر نبود. اما برای دولت افغانستان این پیشرفتهای نظامی کوتاه مدت، درد سر های بزرگ را در دراز مدت بار می آورد که شاه امان الله از آن کاملاً واقف و آگاهی داشت، از جمله: نگهداشت آن ساحه ها کار بس دشوار بود، زیرا دولت افغانستان با بنیه بسیار ضعیف نظامی از عهده آن برآمده نمیتوانست و با تجارب قبلی استقرار امنیت و پخش نفوذ دولت در آن ساحات با موجودیت اختلافات و رقابت های جدی بین اقوام آنجا از یکطرف و اعمال سیاست "تطمیع" و "تفرقه اندازی" بوسیله انگلیس ها از طرف دیگر همه امید ها را بزودی به یأس تبدیل میکرد.

لذا یگانه راه برای حصول استقلال کامل کشور که هدف اصلی شاه امان الله غازی را در جنگ سوم افغان و انگلیس تشکیل میداد، همانا استفاده از پیشرفت های نظامی حاصله در آن جبهه بود که با استفاده از همچوموقف بهتر، زمینه رجوع به راه حل سیاسی را مساعد می ساخت. خوشبختانه این راه دراز و پر از نشیب و فراز را شاه امان الله و حامیان جدی و صادق او در ظرف تقریباً دو سال با تدویر سه دوره مذاکرات و نیز با اعزام هیئت های رسمی به کشورهای بزرگ اروپائی به موفقیت تام طی کردند و در نتیجه پس از شناسائی استقلال کشور به وسیله یک تعداد کشورهای آسیائی و اروپائی، دولت انگلیس مجبور به شناخت استقلال کامل کشور گردید و با امضای معاهده کابل که بتاريخ 30 عقرب 1300 (مطابق 22 نوامبر 1921) بین محمود طرزی وزیر خارجه افغانستان و سرهنری دابس رئیس هیئت انگلیس در 14 ماده، روابط سیاسی دو کشور برقرار گردید، طوریکه در ماده اول آن معاهده آمده است: «دولتین علیتین برتانیه و افغانستان بالمقابل تمامی حقوق استقلال داخلی و خارجی یکدیگر خود شانرا تصدیق نموده، محترم می شمارند.»

با ذکر فرامین فوق و شرحی که درمقاله قبلی و قسمت های اول، دوم و سوم این مقاله به عرض رسید، موضوع جنجال برانگیز قبول متارکه و توقف جنگ در جبهات سه گانه استقلال کشور را که از طرف انگلیسها پیشنهاد شده و شاه امان الله آن پیشنهاد را به شرط تصدیق استقلال افغانستان بوسیله انگلیس ها قبول کرده بود، در اینجا به پایان برده و از ورای این تحقیق مختصرمیتوان به این نتیجه رسید که: با وجود مخالفت جدی بعضی از سران ملکی و نظامی دولت در مورد قبولی متارکه (از جمله حضرات مجددی، سپه سالار محمدنادرخان و سردار عبدالقدوس خان اعتمادالدوله و بخصوص تعداد زیاد سران قومی مسعود و وزیر که در جهاد محاذ جنوبی خدمات شایان کردند) شاه امان الله غازی باعزم متین و شهادت بینظیر جهت نیل به هدف عالی استقلال و با استفاده از موفقیت مختصر جنگ در جبهه جنوبی کوشید تا راه سیاسی را برگزیند و نخواست این یگانه هدف خود را با عواقب ناکامی در ادامه جنگ مواجه به خطر سازد و درنهایت توانست به حیث اولین

شخصیت سیاسی در آنوقت راه سیاسی را از راه نظامی رجحان دهد و در قبال آن به حیث یک زعیم  
عالی مقام نه تنها در کشور، بلکه در جهان شناخته شود.  
(پایان مقاله)

---

د پانوی شمیره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په څیر و لولئ